

**سه شنبه 3 شهریور 4 رمضان 25 اوت**

هلاکت زیاد بن ابیه در سال 53 هجری قمری...

**هلاکت زیاد بن ابیه در سال 53 هجری قمری**

زیاد بن سمیه، که پدرش به درستی معلوم نبود، به زیاد بن ابیه [یعنی زیاد پسر پدرش] معروف بود. پس از صلح امام حسن(ع)، زیاد بن ابیه به معاویه بن ابی سفیان نزدیک شد و به خاطر خشونت و صلابتی که در او بود، مورد توجه معاویه قرار گرفت و معاویه با به راه انداختن انجمنی از بزرگان خلافت بنی امیه و گواه گرفتن از افراد سرشناس و معروف عرب مبنی بر این که زیاد در فراش پدرش ابی سفیان دیده به جهان گشوده بود، وی را فرزند ابی سفیان و برادر خویش معرفی کرد و حکومت عراق [کوفه و بصره] و توابع آن را به وی سپرد و وی را مأمور آزار و شکنجه شیعیان امیرمؤمنان علی بن ابی طالب(ع) نمود.

زیاد بن ابیه که خود زمانی از یاران و فرماندهان نظامی سپاه امام علی(ع) بود و یاران و هواداران آن حضرت را به خوبی می شناخت، در صدد قتل و غارت آنان برآمد و تعداد بی شماری از شیعیان را بی جرم و گناهی به قتل آورد و هر روز زندگی را بر کام آنان تلخ تر می کرد.

سرانجام مبتلا به بیماری طاعون گردید و دست وی بر اثر آن متورم شد و قصد بریدن آن را داشت که با دیدن آتش و ابزار وسایل قطع، منصرف شد، ولی بیماری چنان وی را فشار آورده بود که تعداد 150 نفر از پزشکان ماهر، از مداوای آن عاجز مانده بودند. گفته شد که در درون وی، حرارتی از آن بیماری به وجود آمده بود، که با هیچ نوشیدنی و تزریق کردنی، کاهش پیدا نمی کرد و سرانجام وی را به هلاکت رسانید.

هلاکت ذلت بار وی، مصادف بود با سوم رمضان سال 53 قمری، در عصر خلافت غاصبانه برادر خوانده اش معاویه بن ابی سفیان.

وی را در مکانی به نام "ثوبه" در بیرون شهر کوفه به گور سپردند.

علاوه بر اهالی عراق، مردم حجاز نیز از هلاکت وی شادمان شده و به شکر گذاری پرداختند. چون وی قرار بود از سوی معاویه، حکومت حجاز را نیز به مجموعه سرزمین های تحت فرمانروایی خویش بیفزاید، که با قدرت لایزال الهی، به این آرزویش نرسید.

**رحلت میرزا هاشم آملی در سال 1413 هجری قمری**

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت :

میرزا هاشم آملی در سال 1322 هجری قمری در لاریجان آمل دیده به جهان گشود.

تحصیلات :

تحصیلات مقدماتی را در آمل فرا گرفت و در سال 1335 هجری قمری زادگاه خود را به عزم تحصیل در تهران ترك گفت. در بدو ورود به تهران مورد توجه مرحوم مدرس که آن زمان متولی مدرسه عالی سپهسالار (مدرسه عالی شهید مطهری) بود واقع گردید.

در اقامت ده ساله خود در تهران پس از فراگیری شرح لمعه و قوانین، توانست، سطوح عالی را از اساتید بر جسته وقت فرا گیرد.

در سال 1345 هجری قمری برای تکمیل معلومات رهسپار حوزه علمیه قم شد، در همین ایام با استقرار مرحوم شیخ عبد الکریم حائری حوزه علمیه قم جان تازه ای به خود گرفته بود. ایشان با اشتیاق خاصی در حوزه درس اساتید بر جسته قم حاضر و از خرمن دانش آن بزرگواران خوشه های علمی فراوانی چید و اقامت ایشان در قم 5 سال طول کشید.

در سال 1351 هجری قمری بعد از سپری شدن اقامت در حوزه علمیه قم با اخذ درجه اجتهاد جهت ادامه تحصیل و درك محضر اساتید نجف، به آن دیار هجرت و در جوار مولای متقیان امیر مومنان علی (علیه السلام) اقامت گزید. این دوره از حیات علمی ایشان تأثیر فراوانی در شکل گیری درجات معنوی و روحانی ایشان داشت. مرحوم میرزا هاشم آملی در دوره اقامت 30 ساله خود در حوزه بزرگ نجف، توانست از محفل درس آیات عظام آن زمان استفاده برده و به مراتب عالی تری از تقوا و دانش دست یابد.

اساتید :

ایشان از محضر بسیاری از بزرگان استفاده نموده اند که مهمترین آنها عبارتند از :

- 1 - شیخ عبدالکریم حائری.
- 2 - سید محمد حجت.
- 3 - سید علی یشربی کاشانی.
- 4 - شیخ محمد علی شاه آبادی.
- 5 - شیخ محمد حسین نائینی.
- 6 - آقا ضیاء الدین عراقی.
- 7 - سید ابوالحسن اصفهانی.

تدریس :

مرحوم میرزا هاشم آملی به توصیه اساتید خود جهت بهره مندی فضلا و طلاب مشتاق به تدریس درس (خارج) پرداخت و طولی نکشید که حوزه درس ایشان مورد توجه اندیشمندان عالی مقام قرار گرفت و موفق شد عده زیادی را در همان ایام تربیت و به درجه اجتهاد نائل گرداند. معظم له در 20 سال آخر اقامتش در نجف توانست 3 دوره مکاسب و 4 دوره اصول شیخ مرتضی انصاری را به شاگردان خود تدریس نماید.

شاگردان :

گروهی بسیار از محضر پر فیض ایشان بهره مند گردیده اند که از آن میان می توان به :

- 1 - سید جعفر کریمی.
- 2 - شیخ عبد الله جوادی آملی.
- 3 - شیخ حسن حسن زاده آملی.
- 4 - شیخ محمد محمدی گیلانی.
- 5 - سید ابوالفضل موسوی تبریزی.
- 6 - شیخ اسماعیل صالحی مازندرانی.
- 7 - سید علی محقق داماد.
- 8 - سید مصطفی محقق داماد.
- 9 - شیخ صادق لاریجانی.
- 10 - شیخ عباس محفوظی.
- 11 - شیخ محمد سند.

اشاره نمود.

تالیفات :

از جمله آثار ایشان که به رشته تحریر در آمده و به طبع رسیده است به شرح زیر می باشد :

- 1 - کتاب کشف الحقایق : تقریر درس بیع و خیارات.
- 2 - المعالم المأثوره در طهارت.
- 3 - مجمع الافکار (دوره اصول فقه در 5 جلد).
- 4 - منتهی الافکار ( حاوی مباحث الفاظ اصول فقه )
- 5 - بدایع الافکار ( يك دوره مباحث اصول فقه تقریر درسی آقا ضیاء عراقی).
- 6 - کتاب الرهن.
- 7 - کتاب الاجاره.
- 8 - کتاب الصوم.
- 9 - رساله النبیة.
- 10 - رساله ای در خلل صلوة.
- 11 - حاشیه ای بر التحصیل بهمنیار.
- 12 - تعلیقه عروه الوثقی.
- 13 - از آغاز بیع تا آخر مکاسب.
- 14 - دوره صلوة.
- 15 - دوره مباحث طهارت.
- 16 - دوره های متعدد اصول.

خصوصیات اخلاقی :

مرحوم میرزا هاشم آملی از خصایص والای انسانی برخوردار و متخلق به اخلاق الهی بود. ایشان در رفتار گفتار به انبیاء و ائمه اطهار (علیه السلام) اقتدا می کرد. خوش بیان، خوش بر خورد و خوش اخلاق بود. از تجمل پرستی و مظاهر بزرگ نمائی سخت بی زار و متنفر و با طلاب جوان همان گونه بر خورد می کرد که با بزرگان، به همین دلیل در دل مؤمنان جای گرفته بود. در خانه اش همیشه به روی همگان باز بود.

در سرما و گرما پیاده از منزل به مسجد اعظم جهت تدریس میرفت. غالباً کارهای دفترشان را خود انجام داده و حتی در بسیاری از مواقع خود شخصاً به تلفن جواب میداد دوست داشت زندگی ایشان در گمنامی و خارج از هیاهوی دنیای مادی سپری شود.

مرحوم میرزا هاشم آملی به اهل بیت عصمت و طهارت (علیه السلام) بسیار علاقه مند بوده و به آن ها عشق می ورزید کمتر مواقعی بود که نام مقدس انوار را بشنود و اشکش جاری نشود بخصوص هر وقت نام مقدس علی (علیه السلام) را میآوردند اشک در دیدگانش حلقه میزد. هر گاه از خواب بر می خواست به شوق زیارت امیر المؤمنین علی (علیه السلام) و به یاد روزهای خوش اقامت در جوار مرقد مطهرش بر حضرت درود فرستاده و میفرمود : ( السلام عليك يا امیر المومنین و رحمة الله و بركاته ).

شور و عشق معظم له به سرور شهیدان امام حسین (علیه السلام) غیر قابل توصیف بود. مجلس عزایی که ایشان در ده

شب اول ماه محرم در مسجد اعظم بر پا می کرد زبان زد همگان بود. ایشان برای سادات احترام خاص قایل بود و در مجالس با تمام قد به پای آن ها بر می خاست.

خدمات :

مرحوم میرزا هاشم آملی به تربیت فقیه و تدریس فقه ارزش فوق العاده نهاده و از مدتی قبل در این فکر بودند که مدرسه ای برای تربیت فقیه تأسیس کنند یعنی آن گروه از جوانان مستعد و با ذوق را که مدتی در فقه و اصول کار کرده اند در اختیار گرفته و با تأمین زندگی آنان را در مسیر فقاقت قرار دهند به همین منظور مدرسه ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه) را تأسیس کردند و تصمیم بر آن داشتند که این مدرسه را به (دارالفقاهه) اختصاص دهند.

مسافرت :

بعد از 30 سال تحقیق و تدریس در دانشگاه بزرگ جهان تشیع (نجف اشرف) در سال 1381 هجری قمری به قصد معالجه و دیدار اقوام و خویشان و دوستان و نیز به دعوت جمعی از اساتید و فضلاء حوزه علمیه قم به ایران باز گشت و در جوار مرقد مطهر حضرت معصومه (سلام الله علیها) در شهرستان قم به تدریس فقه و اصول پرداخت در همین فرصت عده زیادی از محققین حوزه به شرکت در درس ایشان موفق شدند. در این زمان که يك سال از ارتحال زعیم بزرگ مرحوم سید حسین بروجردی می گذشت، حوزه قم بیش از هر زمان دیگر نیازمند فقها و عالمان بزرگ بود، ایشان با تلاش خستگی ناپذیر لحظه ای از هدایت و ارشاد باز نماند و به مناسبت های مختلف به اشاعه فقه و فقاقت شیعه پرداخت و ادامه این راه و تخصصی کردن این رشته را زیاد سفارش می فرمود.

وفات :

هفتم اسفند ماه سال 1371 هجری شمسی برابر با چهارم رمضان 1413 هجری قمری که طبیعت رو به تجدید حیات میرفت و درختها و گلها در آستانه آرایش و گل نثاری بودند، ناگهان درخت برومند و باروری از بوستان تشیع به خشکی گرائید و دانشمندان و اندیشمندان را به سوگ نشانید. روح بلند این عالم بزرگ و این روحانی خدمتگزار و دانش پرور، که بیش از نیم قرن در سنگر علم و دانش درس خوانده و تدریس کرده و شاگرد پرورش داده بود، به ملکوت اعلی پیوست و پیکر پاکش را بعد از تشییع با شکوه در جوار کریمه اهل بیت حضرت معصومه (سلام الله علیها) به خاک سپردند.